

سرانجام اعتصابات در نفت

خالد حاج محمدی

اعتصابات کارگران پروژہ ای در نفت و گاز و پتروشیمی ها حدود چهل روز است در جریان است. چهل روز است دهها هزار کارگر در این مراکز برای تامین مطالبات خود از افزایش دستمزد تا تامین ۲۰ روز کار و ده روز تعطیلی، کوتاه کردن دست پیمانکاران و پایان قراردادهای موقت، تامین امکانات رفاهی و بهداشتی و سرویسهای مناسب برای ایاب و ذهاب و... در حال اعتصاب هستند. در این مدت زمره پیوستگی کارگران رسمی به اعتصاب در جریان بوده و در همین روزها شاهد تجمعاتی از جانب آنها هم بوده ایم. در مورد آینده این اعتصابات و نقش و تاثیر تکنونی آن و بعلاوه سیاست جمهوری اسلامی و چگونگی مقابله با آن و رسیدن به مطالبات کارگران نکاتی را یاد آوری میکنم. این دومین دوره اعتصابات کارگران نفت و... در این دوره است. اعتصابات کنونی، دامنه وسیع و سراسری آن تا هم اکنون امیدواری جدی در طبقه کارگر و در جامعه و در صف اقشار محروم ایجاد کرده است. جامعه ای که در نفرت از حاکمان به بشکه باروتی تبدیل شده است که با هر جرقه ای ممکن است منفجر شود و تا هم اکنون اعتراضات و طغیانهای بزرگی به خود دیده است که اعتراضات به آب و برق در خوزستان و حمایت و گسترش آن به تهران، آذربایجان، اصفهان، کرج و کرمانشاه و... آخرین آن است. اعتصابات نفت در دوره خاصی است که جامعه هر روزه شاهد اعتصابات و اعتراضات کارگری است. هفت تپه ۲۲ روز است در حال اعتصاب و اعتراض است، کارگران در فولاد، در معادن در شهرداری ها، ترانسپورت و دهها مرکز دیگر روزانه برای بهبود و حتی برای حقوق معوقه و بیمه پرداخت نشده و... اعتصاب میکنند. در چنین شرایطی و با پیوستن نفت و گاز و پتروشیمی ها، وزنه طبقه کارگر و حق طلبی کارگر مهر خود را به همه چیز در این جامعه زده است. در چنین فضایی که جامعه عموماً از جمهوری اسلامی عبو کرده و حاکمیت در جوابگویی به این مردم ناتوان است، شروع اعتصابات نفت بار دیگر این سوال را در مقابل مردم ایران قرار داده است که آیا میتوان بر دوش و به رهبری طبقه کارگر با انقلابی توده ای از شر جمهوری اسلامی خلاص و جامعه ای انسانی، مرفه و برابر را پایه گذاشت.

سیاست حاکمیت

سیاست جمهوری اسلامی در برخورد به اعتصابات این دوره اساساً تلاش برای خسته کردن و ناچار کردن کارگران به تمکین به شرایط موجود با اتکا به حربه فقر و تفرقه است. ... صفحه ۴

-کارگران جهان متحد شوید!

آخرین سنگر! آخرین رئیس جمهور!

مظفر محمدی



در مورد رفتن روحانی لازم به گفتن نیست که بقول خودش، نگفتنی هایش بیشتر است و البته گفتنی هایش هم هذیان یک بیمار مالیخولیایی است. آخرین سخنران روحانی در مورد پیروزی هایش کپی سخنان محمد سعید الصحاف وزیر تبلیغات رژیم صدام است. در حالی که نصف بغداد اشغال شده بود، صحاف گفت: «بغداد کاملاً آرام است و دشمن ده ها کیلومتر با آن فاصله دارد.» اما او برای فرار فقط چند ساعت وقت داشت.

روحانی در جریان خیزش آبان ۹۸ در اعتراض به گران شدن بنزین، گفت من صبح جمعه بیدار شدم فهمیدم بنزین گران شده است و آخرین جواب دولت روحانی به مردم این بود که مطالباتتان را چرا از من، از کاخ سفید بخواهید! ... صفحه ۲

معرفی برنامه یک دنیای بهتر

مطلبی که میخوانید متن سخنرانی ثریا شهبانی در سمینار هفته حکمت (۲۰۲۱)

حزب حکمتیست (خط رسمی)، تحت عنوان «معرفی برنامه یک دنیای بهتر» است..

از اعتراض توده ای تا اعمال اراده مردم!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

جرقه خیزش مردم خوزستان در اعتراض به بی آبی و قحطی به سراسر ایران کشیده شده است. خبرها حاکی است که تظاهرات های وسیع در شهرهای ایران، در تهران، قزوین، مشهد، اهواز، اصفهان، دهلران، شوشتر، رشت، تبریز، ایلام، ایرانشهر و ... کماکان در جریان است. فریاد «مرگ بر جمهوری اسلامی»، «این آخرین پیامه، هدف کل نظام» در چهارگوشه آن مملکت، بنیادهای نظام ارتجاعی موجود را به لرزه درآورده است. اعتراضات گسترده مردم ایران چنان جسورانه، سریع و قدرتمند است که ماشین سرکوب حاکمیت را عملاً فلج کرده است. نه فقط این بلکه حتی دستگاه تولید دیسیسه و تفرقه قومی، مذهبی و ملی این نظام و هر نیروی ارتجاعی دیگری نیز کارایی خود را از دست داده است. مادران آبان خونین ۹۸ در یک راهپیمایی سمبلیک به سمت میدان آزادی، با شعار «حمایت از جوانان خوزستان، حمایت از جوانان خود شماست»، شهروندان تهران را به پیوستن به اعتراضاتی که از خوزستان آغاز شده، دعوت کردند. تجمع اعتراضی مردم در برابر تئاتر شهر تهران، جلوه دیگری از این همبستگی سراسری را به نمایش گذاشت. ... صفحه ۴

«طرح صیانت» یا کشیدن ضامن نارنجک!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

گزارشی از یک پیکت اعتراضی در لندن

کمیته لندن حزب حکمتیست (خط رسمی)

آزادی
برابری
حکومت کارگری

روحانی در شیدای، دروغگویی، بی حیایی و جبونی در میان روسای جمهوری نظام، مدال افتخار گرفت.

اما ارزیابی از ۸ سال دولت امید و اعتدال را خیزش دی ماه ۹۶ و ابان ۹۸ و یک دهه اعتصابات بزرگ کارگری کردند. دولت روحانی در نظام جمهوری اسلامی یک مترسک بی اختیار و بی خاصیت بیش نبود. عمق ردالت و استیصال روحانی در این یک جمله نهفته است که: «خیلی حرف ها هست که الان نمی توانم بگویم و شاید تا سال ها هم نتوانم که چه کارها شد که توافق نشود و بین تیر و دی ۹۴ چه حوادثی رخ داد. اکثریت مردم از این اتفاقات خبر ندارند!» روحانی توجیه گر هشت سال فلاکت و فقر و بیکاری و کشتار و مرگ بر اثر کرونا و دروغگو و ریاکار بی شرم و حیا و نوچه ی بی اختیار خامنه ای به زباله دانی تاریخ سپرده شد. دولت های پشت سرهم اصلاحات خاکی، سازندگی رفسنجانی، پشتک وارو زدن های اصولگرایی احمدی نژاد و بالاخره امید و اعتدال روحانی، ابزارهای کمک به حفظ و حراست نظام جمهوری اسلامی تا به امروز بوده اند. و امروز این نظام در پایان خط است.

مراسم تنفیذ و تحلیف ریسی غسل تعمید نظامی است که تا خرخره در بحران و فساد و استیصال فرو رفته است. این مراسم به مردم ایران می گوید، راس قدرت بدون حجاب و نقاب روی زمینی ایستاده که زیر پایش داغ شده است. خامنه ای و بیت رهبری و سپاهش امروز بی پرده و بی واسطه در مقابل جنبشی قرار گرفته که حکم مرگش را صادر کرده است.

ریسی منتصب خامنه ای، مثل اسلاف خود حکم یکی از ارکان نظام جمهوری اسلامی یعنی قوه مجریه را ندارد. این رکن مصلحتی و نمایشی سابق، فرو ریخته است. ریسی مشروعیت ندارد نه صرفاً بخاطر انتصاب شدنش، یا بخاطر قاتل بودن و مشهور شدنش به قصاب تهران، بلکه بخاطر بایکوتی که مردم ایران کردند. مردم، نیامده حکم رفتنش را دادند. جمهوری اسلامی پروسه ی از صدور اسلام، کشتارهای دستجمعی دهه شصت، جنگ بعنوان برکت الهی، سوپاپ اصلاحات دوم خرداد تا اعتدال دولت روحانی، خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار... را طی کرده، سنگر به سنگر عقب نشسته و امروز در آخرین سنگر در مقابل موج اعتصابات کارگری و خیزش های توده ای قرار گرفته و پشتش به دیوار خورده است. امروز نهاد ریاست جمهوری زیر مجموعه ی ده ها نهاد مرتبط به بیت رهبری و سپاه است. همه دولتهای پیشین هم به درجه ای همین موقعیت را داشته اند ولی با تظاهر به استقلال نقش ابزاری را پذیرفتند و در پایان هر دوره پالانشان کننده و با زخم های پر پشت روانه گشتند. خیلی ها از یک دست شدن نظام بعنوان نقطه قدرت جمهوری اسلامی صحبت می کنند. اما امروز هرم قدرت با کوچک شدن و ریزش نیروهای خودی اش به سنگر دفاع مرگباری خزیده که نه راه پیش دارد و نه پس. این آن شرایطی است که طبقه کارگر و مردم ایران تشخیص داده و هر روز عرصه ای از میدان نبرد گشوده می شود. تاکتیک های مبارزاتی از دفاع به تعرض، از دعای کمیل به سرود و شعارهای رادیکال کارگری و مردمی، از خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار به مجامع عمومی و تصمیم گیری جمعی... تغییر کرده است. اگر دیروز شلاق بورژوازی به پشت کارگر می خورد، امروز شلاق کارگر به پشت بورژوازی کوبیده می شود. کارفرمای اختلاسگر زیر شلاق تعرض کارگر به خانه فرستاده می شود. امروز بسیجی و نیروهای بالقوه حراستی به بسیجی عدالتخواه تبدیل شده و در مقابل کارگر کرنش می کنند.

تا دیروز گفته می شد اعتراضات کارگری و توده ای سازمان و رهبری ندارد، تحرکات اجتماعی خودجوش و خودبخودی تلقی می شد و... اما امروز رهبران اعتصابات گسترده ی مراکز صنعتی بزرگ نفت و پتروشیمی ها و گاز و فولاد و نیشکر هفت تپه... بر سکوی مجامع عمومی می ایستند و مدعی اداره شورایی اند. تا دیروز شرکت های پیمانکاری تام الاختیار در استثمار وحشیانه و بیحقوق کردن کارگران می تاختند، امروز بیش از صد هزار کارگر این شرکت ها تنها در صنایع نفت و پتروشیمی ها، افسار

پیمانکاران را کشیده و خود قوانین ناظر بر کارشان را از جمله دستمزد دو برابر، ۱۵ روز کار و ۱۵ روز مرخصی و... می نویسند.

امروز خوزستانی تشنه، تمام قد جلو دوربین می ایستد و خواهان اسقاط نظام است. تا دیروز همبستگی و همسرنوشتی آرزو و رویایی دور از دسترس بود و امروز اتحاد خوزستان، تهران، اصفهان، تبریز... در خیابان های شهرهای بزرگ و کوچک ایران فریاد زده می شود! تا دیروز مخاطره قومی و نژادی کردن جامعه سایه انداخته بود و امروز در اعتصابات کارگری و اعتراضات اجتماعی قومگرایی و تقسیم جامعه به این و آن قوم و نژاد و زبان و مذهب، زشت و غیرقابل قبول اعلام شده است.

در توازن قوای طبقاتی و اجتماعی امروز، توسل به ابزار سرکوب عریان توسط بورژوازی حاکم به یک مخاطره جدی برایشان تبدیل شده است. مبارزه طبقاتی و مطالبات رادیکال اقتصادی و سیاسی، بورژوازی اپوزیسیون را به مجیزگویی ریاکارانه واداشته است. اعتراف به طبقاتی بودن مبارزه کارگران و زحمتکشان و اعتراف به عروج صف ازادخواهی و برابری طلبی، صفی که ازادی را در گرو برابری اقتصادی و رفاه و خوشبختی اکثریت صاحبان جامعه می بیند. صفی که خود را برای دخالت در سرنوشت جامعه و ساختن آن با دستان خود آماده می کند.

ابراهیم ریسی مدعی است که معیشت جامعه را حل می کند، اما قبلش سوریه را آباد می سازد. طبقه کارگر و مردم گرسنه و تشنه ایران گوششان از این وعده های توخالی پر است. ۴۳ سال حاکمیت نظامی که جامعه را به امروز رسانده و دره عمیق و چاله عظیمی که بین خواستهای رفاهی و ازادخواهانه مردم ایران با حاکمیت بورژوازی بوجود آمده است، قابل پر کردن نیست. آیا قرار است معجزه ای رخ دهد؟ آیا ستاد اجرایی فرمان امام با میلیاردها ذخیره نقدی و سرمایه های بانکی و ملکی و غیره قرار است سر کیسه را شل کند و دستمزد کارگران را دو برابر کند، تمام معوقه ها را با پرداخت جریمه دیرکرد پرداخت و به ۸ میلیون خانواده بیکار بیمه بدهد؟ آیا قرار است آستان قدس رضوی شمش های طلایش را به پای مردم بریزد؟ آیا قرار است سپاه پاسداران و بنیاد مستضعفین با دارایی صدها بنگاه صنعتی و کشاورزی و مسکن و معادن و آب، بخشی از درآمدهایشان را بر سر سفره مردم بیاورند؟ آیا قرار است اجاره مسکن نصف شده و بهداشت و درمان و حمل و نقل و آب و برق و خدمات اجتماعی مجانی شود؟ آیا قرار است در فاصله ۶ ماه آتی ۶۰ میلیون ایرانی دو دوز واکسن کرونا مجانی دریافت کنند؟ آیا قرار است قیمت ها به عقب برگشته و ریال ایران با دلار برابر شود؟ آیا قرار است زندگی زیرخط فقر ۵۰ میلیون انسان به زندگی مرفه و بی نیاز برسد؟ آیا قرار است زن و مرد برابر شوند؟ آیا دست پلیس و اوباش اسلامی از زندگی مردم کوتاه می شود؟ آیا قرار است بنگاه های تبلیغاتی خرافات مذهبی و مزخرفات دینی تعطیل شوند؟ آیا قرار است شوراهای کارگری و مردمی و اتحادیه های بزرگ، جای خانه کارگر و شورای اسلامی کار و شوراهای اسلامی شهر و روستا را بگیرند؟ آیا قرار است زندان و شکنجه و اعدام ممنوع شود؟ آیا قرار است حرمت و ازادی و رفاه و امنیت و دخالت مردم در تعیین سرنوشت اقتصادی و سیاسی و حاکمیت خود اعاده شود؟ و آیا قرار است

برجام دیگری سرریز سرمایه های خارجی را باعث شود؟ ... همه ی این ها سوالات و خواستهای طبقه کارگر و مردم گرسنه و جامعه فلاکت زده ایران است. مردم ایران وعده های قطره چکانی و انتظار را دیگر نمی پذیرند. امروز علاوه بر مطالبات اقتصادی، این خواست که «شما نمی توانید جامعه را اداره کنید، به ما بسپارید و بروید» خواست سراسری و در راس خواست های ده ها میلیون کارگر و زحمتکش و زن و مرد و جوان قرار گرفته است. چهار دهه انتظار و اعتراض و اعتصاب و فریاد کارگران و بیکاران و گرسنگان جامعه و زنان تحت تبعیض جنسی، امروز جمهوری اسلامی را به سنگر آخر هل داده است!

تا دیروز جمهوری اسلامی با روینای سیاسی فرمالی تحت نام قوای سه گانه ی «مستقل» مجریه، مقننه و قضایی معرفی می شده، بعلاوه ی مترسک های مجلس خیرگان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و از این قبیل... سپاه و نهادهای نظامی هم آن پشت کارخودشان را کرده و می کنند. ... ادامه در صفحه بعد

بیانیه حقوق جهات شمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراهای است

تا هم اکنون تأثیرات عمیقی در خودآگاهی و روند رو به رشد سطح مبارزه و پیشروی شما گذاشته است.

کارگران سوسیالیست؛ رفقای کمونیست!

این دوران برای ما نه تنها دوران مبارزه متحدانه و سازمان یافته برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی، که مهمتر از آن دوران بسیج هرچه بیشتر نیروی مردم حول ابزار قدرتمند کردن و نیرومند کردن قدرت اعمال اراده مردم مبارزه برای شکل دادن به قدرت خود پس از جمهوری اسلامی است. از هم اکنون باید دست به کار شکل دادن به ابزارها و نهادهای متحد کردن و متحد نگه داشتن مردم در محلات کار و زیست خود شد. بهترین زمان مناسب برای تشکیل شوراهای مردمی و گردانهای دفاع از آزادی و نان و امنیت در شهرهاست. ارگانهایی که قدرت مردم در پایین را نه تنها تضمین میکنند بلکه اجرا و اعمال میکنند. نهادهایی که کنترل امور جامعه را بدست میگیرند. در حالیکه این نظام عطای اداره امور جامعه را به لقای آن بخشیده است، وقتیکه مخازن آب را بروی شهرها بسته اند، نان را نمیدهند، واکسن نمیدهند، دسته جمعی اخراج میکنند، بیکار میکنند و از کرده کارگر بیکاری میکشند، قحطی و گرسنگی راه انداخته اند، کرور کرور شهروندان را حواله منجلاط فقر میکنند، وقتیکه آزادی را سلب و مشروط کرده اند، شریانهای تنفس در جامعه را مسدود کرده اند، اینترنت را تحت کنترل خود درآورده اند، زمانیکه مشروعیت این نظام در چشم شهروندانش تماما بر باد رفته است، درست در چنین شرایطی که دولتی موجود نیست، هیچ چیز مشروع تر از قد علم کردن ارگانهای مردمی اعمال حاکمیت توده ای در شهرها نیست!

هیچ چیز «قانونی» تر و قدرتمند تر از شوراهای و نهادهایی که از دل مبارزه مردم منزجر از حاکمیت و دولت، امور واقعی مردم شهر را میگردانند، نیست. زمانی که حاکمیت مسئولیتی را در قبال زندگی شهروندان جامعه قبول نمیکند، امنیت و نان و مدنیت را چه کسی تضمین میکند؟ چه نهادی مشروع تر از شوراهای مردمی میتواند با تکیه بر خرد جمعی، امورات شهر و محلات زندگی مردم را سازماندهی کند؟ وقتیکه موجودیت دولت بر باد رفته است، وقتیکه دولت عملا در مشاهده توده های مردم به نهادی در برابر معیشت و آرمانهای پیشرو تبدیل شده است، بهترین فرصت مناسب برای ایمان آوردن طبقه کارگر به نیروی متشکل و اعمال اراده مستقیم خود از طریق متشکل شدن در شوراهای و مجامع عمومی جهت سیطره بر اوضاع بحرانی موجود است. امروز روزی است که میتوان جنبش عظیم و گسترده مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی را به ابزار شوراهای مردمی در پایین مسلح کرد.

هیچ چیز نیرومند تر از تصمیم جمعی مردمی که در شوراهای خود بر سر پیشبرد امور جامعه و مبارزه متحد و همبسته شده اند، نیست. شهروندان جامعه را به اداره امور اوضاع با تکیه بر شوراهای مردمی بسیج کنیم!

زنده باد شوراهای مردمی!

زنده باد اعمال اراده مستقیم مردم!

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱ اوت ۱۴۰۰

گام، سازماندهی حزب سیاسی توده ای - کارگری است. شوراهای کارگری و مردمی ابزار اعمال اراده توده های میلیونی است. این ابزار می تواند در مقابل تلاش اعمال قدرت از بالا با زور تهدید و فشار بخش های بورژوازی، ناسیونالیست ها، قوم پرستان و نیروهای باند سیاهی، سدی باشد. اما هنوز برای شکست تلاش های بورژوازی علیه دخالت طبقه کارگر و زحمتکشان در سرنوشت سیاسی جامعه و ممانعت از به چپ و راست کشیده شدن شوراهای کارگری و مردمی، حزب سیاسی و سوسیالیستی رهبری کننده ی طبقه کارگر و هدایت کننده ی شوراهای یک ضرورت عاجل و غیر قابل چشم پوشی است. حزب سیاسی طبقاتی همان اندازه عاجل و ضروری است که شوراهای کارخانه و شوراهای محلات و شهر و روستاها. بدون چنین حزبی جامعه ی ولو سازمانیافته در شوراهای مثل یک بدنه بدون سراسر است!

کلام آخر، امروز همه دارند کمر بندها را سفت می کنند. جمهوری اسلامی در رویای ماندن چند ماه و سال بهر قیمت، بورژوازی اپوزیسیون در رویای جاننشینی و نجات نظام سرمایه داری با شعار دمکراسی، مجلس موسسان، قانون اساسی بورژوازی و پارلمان... طبقه کارگر و توده های میلیونی گرسنگان و بیکاران و زنان و جوانان هم در تدارک به گور سپردن رژیم و کسب قدرت سیاسی خود هستند.

حزب ما ملزومات فکری و سیاسی این تحول تاریخی را فراهم کرده است. سیاست، تاکتیک و افق کمونیستی این حزب ماتریال تعیین کننده ی در دسترس و اختیار طبقه کارگر آگاه و در راس آن کارگران کمونیست و سوسیالیست و همه ی زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب جامعه است. حزب، همه ی کمونیست ها و آزادیخواهان را حول این سیاست ها و تحقق عاجل حزب سیاسی توده ای- کارگری فرا می خواند!

شهروندان معترض در جریان این تجمع با شعارهایی از جمله «مرگ بر خامنه ای»، «مرگ بر جمهوری اسلامی»، «کشور آب ندارد، فشار ادامه دارد»، «خوزستان تا تهران، اتحاد، اتحاد»، «آبان فرزند ندارد، خوزستان آب ندارد» سر دادند. از طرف دیگر، کارگران هفت تپه در یک تصمیم گیری جمعی در هجدهمین روز از اعتصاب خود، به یک راهپیمایی سراسری در سطح شهر شوش دست زدند و در مقابل فرمانداری ضمن پافشاری بر اعلام اتحاد در صفوف خود، با سانسور و قطع اینترنت به مخالفت برخاستند و با کشمکش و مبارزه مردم خوزستان علیه این نظام عهد بستند. کارگران به درست اعلام کردند که نه تنها یک قدم از خواسته های خود عقب نخواهند نشست بلکه به «خشک مغزانی» که جامعه ایران را به ورطه قحطی، گرسنگی و بی آبی کشانده اند، هشدار دادند که دور نیست روزی که همه ما علیه شما متحد و همدرد شویم؛ نمایندگان کارگران در سخنانی های کوبنده خود اعلام کردند که «زمانی در دوره مشروطه لیاخوف مجلس را به توپ بست، اما الان لیاخوف ها رفته اند در مجلس و از آن جا مردم را به توپ می بندند.»

مردم آزادیخواه ایران!

اتحاد و همبستگی رادیکال و سراسری شما با خیزش مردم خوزستان، توصیف این واقعیت است که جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران حول معیشت و رفاه و آزادی، هیچ مرز قومی، مذهبی و زبانی نمیشناسد. اعتراض به فلاکت، بیکاری و بی مسکنی، اعتراض به فقدان ابتدایی ترین نیازمندی های زنده ماندن و انسان ماندن، اعتراض یک صف میلیونی و سراسری به وسعت کل جامعه ایران است. این جنبش که برای نان و آزادی از دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ تاکنون قدم پیش گذاشته است، روز به روز توسط رهبران کارگری و سوسیالیستها ابدیده تر و خودآگاه تر جلو آمده است. شما مردم آزادیخواه و تشنه رفاه و خوشبختی، در اعتراضات اخیر نه تنها کل محاسبات نظام و متعلقات آن را دوباره بر هم زدید بلکه یک گام دیگر این نظم و نظام ارتجاعی را به سمت پرتگاه سرنگونی نزدیکتر کرده اید.

جمهوری اسلامی در برابر اعتراض رو به گسترش شما فلج شده است. از یک طرف از خامنه ای تا روحانی و رئیسی و طرفدارانشان، یکی به نعل و یکی به میخ، برای مردم خوزستان و محرومان ایران اشک تمساح میریزند و از طرف دیگر نیروهای سرکوبگر و یگانهای ویژه خود را «دزدکی» و شبانه به سمت منازل شما گسیل میدهند تا در خفا انگشت تهدید را به سمت شما و جوانان معترض و منزجر شما از نظام، نشانه بگیرند. این نظامی است که امروز بزدلانه، شبانه و «بواشکی» به خانه های شما پورش میبرد، دستگیر میکند، دوباره آزاد میکند، میترساند، ظاهر تعرض میگیرد اما در هراس از شما به سرعت در مقابل تعرض شما پا به فرار میگذارد. این حال و روز نظامی است که با هالوکاست دهه ۶۰ سر کار آمد و امروز در مقابل سنبه پر زور و متحد شما مردم ایران حول مسئله معیشت و رفاه و آزادی، سپر انداخته است؛ اینها را وحشت از سرنگونی به چهارمیخ کشیده است. «خطری که قرار است نظام را سرنگون کند» بیخ گوش همه شان، از سران سه قوه تا بیت رهبری دست بردارشان نیست؛ رویرویی بزرگ و جسورانه شما در اعتراضات سراسری اخیر در کنار اعتصابات قدرتمند کارگری که از مراکز نفت تا هفت تپه و ... در جریان است،

آخرین سنگر...

از قاچاق کالاها تحت نام صادرات واردات تا قاچاق مواد مخدر و حتی فروش دکل نفت... سپاه خود دولتی در دولت است با دستگاه قضایی و زندان ها و سازمان اطلاعات سپاه و بنگاه های عظیم اقتصادی و بانکی و صنایع ساختمان و سدسازی و معادن و غیره...

امروز جمهوری اسلامی نیازی به تظاهر به ارکان سه گانه ی سابق و یا حتی رای مردم ندارد. امروز ارکان نظام، به بیت رهبری و سپاه و صدا و سیما ی شرعیتمداری خلاصه شده است. به همین دلیل است امروز نوک پیکان تعرض طبقه کارگر و مردم بجان آمده، این نظام بهم فشرده و راس آن خامنه ای و بیت رهبری را نشانه گرفته است. برای دو طبقه اجتماعی، زمان نبرد نهایی فرا رسیده است. نتیجه نهایی این نبرد را طبقه کارگر با قیام و انقلابش تعیین می کند. طبقه ای که در این جنگ طبقاتی به چیزی کم تر از آزادی و برابری و جامعه سوسیالیستی رضایت نمی دهد. بورژوازی اپوزیسیون برای نجات نظام سرمایه داری پس از جمهوری اسلامی خیز برداشته و صفوفش را برای این وظیفه ضد انقلابی و ضد کارگری آماده می کند در این جنگ نهایی طبقه کارگر هم علاوه بر شوراهای کارگری و مردمی، حزب سیاسی توده ای - کارگری خود را سازمان می دهد.

خودآگاهی طبقاتی کارگران و رهبران شان با افق شوراهای کارگری، راه دخلتگیری خود و جامعه در تعیین سرنوشت را نشان داده است. در همان حال کارگران کمونیست و شبکه های فعالین کارگری سوسیالیست در مبارزه طبقاتی جاری، برای تحقق اداره شورایی جامعه و برای تضمین قدرت سیاسی طبقه کارگر و زحمتکشان به یک گام فراتر نیاز دارند. این

نه قومی نه مذهبی زنده باد هویت انسانی

حاکمیت و بورژوازی ایران بطور جدی جامعه ایران و زندگی طبقه کارگر و اقشار محروم را در خدمت طبقه سرمایه دار به تباهی کشانده است. فقری که آنها هوشیارانه و نقشه مند به طبقه کارگر تحمیل کرده اند، شرایط برده واری که حتی به کارگران مهمترین مراکز صنعتی مانند نفت و گاز و پتروشیمی تحمیل کرده اند، در نوع خود بی همتا است. تلاش بورژوازی ایران برای کشیدن آخرین رمقهای جان کارگران برای تامین سود سرمایه داران و تامین منافع طبقه سرمایه دار، بیرحمانه ترین و استثمارگرانه ترین روابط را به طبقه کارگر تحمیل کرده است. این وضع کمر طبقه کارگر و بخشهای محروم را زیر فشار بردگی مزدی و فقر و فلاکت خم کرده است و زندگی میلیونها خانواده کارگری را به تباهی کامل کشانده است. در نتیجه تلاش در وارد کردن فشار مالی و اقتصادی در اشکال مختلف برای تسلیم کارگران و تحمیل استیصال در جریان این اعتصابات و در بسیاری از اعتصابات دیگر از جمله در هفت تپه در کنار ابزار تفرقه و... مهمترین حربه بورژوازی است. باید توجه داشت در حاکمیتی که بالاترین مقامهای آن از جمله شخص خامنه ای سنگ مبارزه با اختلاسگران اقتصادی را به سینه میزند و جناب رئیسی را به نام «قهرمان» این عرصه به جامعه معرفی میکنند، زیر فشار کارگران هفت تپه وادار به عقب نشینی و محاکمه یکی از اختلاس گزترین و انگل ترین پاره تن خود شده است. علیرغم اینکه اسد بیگی زیر فشار کارگران جسور هفت تپه و حمایت جامعه از آنان خلع ید شد، اما هنوز هم عملا اسد بیگی در هفت تپه حاکم است و برای دزدی اموال و دارایی ها و تولید آن و هزار و یک دسیسه علیه کارگران دستش از همه کس بازتر است. امروز دیگر حنای سنگ «دفاع» از کارگر به سینه زدن حاکمیت، از بالا تا پائین، اشک تمساح ریختن و ریاکارانه زیر فشار اعتصابات کارگری اعتراض صنفی کارگران را به رسمیت شناختن و... دیگر رنگی ندارد. امروز دیگر مردم دست اینها را در «دلسوزی» برای بی آبی، بی برقی، فقر و فلاکت و اینکه «اعتراض مردم بر حق است»، را خوانده اند و مدتها است به این واقعیت که حاکمیت جز دسیسه و توطئه های شوم علیه آنها حتی یک قدم برای رفع مشکلات عدیده آنها بر نمی دارد. آگاه شده اند و این سیاست ریاکارانه را به شکست کشانده اند. طبقه کارگر و مردم آزادیخواه سیاست سرکوب، فریب، توطئه و... را شکست داده اند. تلاش در دامن زدن به تفرقه در میان کارگران آخرین حربه رژیم در مقابله با کارگران نفت است. دامن زدن به اختلاف میان کارگر رسمی و غیر رسمی و قرار دادی، پاس دادن کارگران به وزارت نفت، وزارت نفت به پیمانکاران، وزارت کار به... و اینکه گویی دولت در این میان هیچ کاره است و بعلاوه تلاش در دامن زدن به نفاق های مذهبی، جنسی، قومی، کارگر بومی و غیر بومی، ماهر و غیر ماهر و... از جمله تلاشهای امروز حاکمیت علیه طبقه کارگر است.

اما علیرغم همه این تلاشهای بالا زیر فشار اعتصابات کارگری، اعتراضات وسیع توده ای و در یک کلام زیر فشار جامعه ای که قدر قدرتی حاکمیت را شکسته است، به هم ریخته و ترس و وهم از ارگانهای سرکوب در هم شکسته است. مردم آزادیخواه و خصوصا طبقه کارگر علیرغم همه این فشارها، نه تنها مستاصل نشده اند، بعلاوه امیدوارتر از هر دوره با احساس قدرت و امیدواری، بورژوازی ایران و حکومتش را به مصاف طلبیده اند.

رمز پیروزی اعتصابات نفت

اعتصابات این دوره کارگران پروژه ای تا همین جا، خونی تازه در رگهای جنبش کارگری جاری کرده است. جمهوری اسلامی توان مقابله با این موج اعتصابات را ندارد و تحمیل مطالبات به حاکمیت بطور قطعی ممکن است. میزان تحمیل مطالبات کارگران تابعی از درجه اتحاد کارگران اعتصابی و بعلاوه درجه حمایتهای عملی بخشهای دیگر از اعتصابات کنونی است. پراکندگی کارگران نفت و وسعت آن و انواع قرار داد و طرف حساب کار مبارزه مشترک را مقداری پیچیده کرده است. بعلاوه پخش شدن کارگران و بازگشت به خانه های خود، مشکل جمع شدن در یک یا چند محل و تامین دخالت روزانه کارگران در سرنوشت اعتصاب نیز از مشکلات دیگری است که باید به سرعت حل شود. بی تردید این حقایق را کارگران اعتصابی و خصوصا رهبران و نمایندگان آنها بخوبی میدانند. اما حل این معضل در هر سطح که ممکن است روی دوش این دوستان است.

بر هیچ کارگر آگاهی پوشیده نیست که کارگران قدرتشان در با هم بودن است. تامین اتحاد کارگری مهمترین ابزار کارگران اعتصابی برای تحمیل مطالبات خود به دولت و کارفرمایان است. تجارب تا کنونی جنبش کارگری، تجربه تاریخی کارگران نفت، تجربه اعتصابات در پتروشیمی ها در دوره های گذشته، تجربه اعتصاب بزرگ و

قدرتمند کارگران بافق، تجربه این دوره اعتصابات در فولاد و اعتصابات طولانی و متحد کارگران هفت تپه، همگی بیان این حقیقت است، که اتحاد کارگری جز اتکا به دخالت مشترک کارگران در تصمیم گیری ها، در بحثها، ایجاد امکان بحث و مشورت با هم و... از کانال مجامع عمومی کارگران راهی ندارد. این تنها امکانی است که فعالین کارگری میتوانند مستقیم با رفقا و همکاران خود بحث کنند، قانع کنند، به ابهامات و ناروشنی ها و دودلی ها و تردیدها جواب بدهند. این تنها راهی است که میتوان بطور مستقیم دسیسه ها و توطئه ها و تلاش برای انشقاق و چند دستیاری خنثی کرد و اتحاد بالا را نگاه داشت و متحد ماند.

اقدام اخیر کارگران اعتصابی و تجمع بزرگ آنها در شهرستان هفشجان و تجمع بیش از هزار کارگر اعتصابی در یک محل، قدمی بزرگ برای رفع مشکل پراکندگی و تامین اتحاد بود. این کار ارزشمند و سطح بالا را باید ستود. همچنانکه گفتیم چگونگی تامین جمعاعات کارگری و تبدیل روزهای اعتصاب به مدرسه ای برای نزدیک شدن و به هم پیوستن و متحد شدن بیشتر به عنوان مهمترین ابزار در مقابله با حاکمیت، روی میز کارگران هوشیار، رهبران و فعالین آگاه و دلسوز در این اعتصابات است.

یک مسئله مهم در این اعتصابات با توجه به دامنه آن، با توجه به سراسری بودن و در برگرفت بالاتر از صد مرکز کارگری، تامین یک کانال معتبر و رسمی خبررسانی از جانب خود سازمان دهندگان و نمایندگان کارگران اعتصابی است. منبعی معتبر و رسمی که اخبار و گزارشات معتبر از اعتصاب منتشر کند، خبر رسانی کند، منبعی و مرجعی برای همه کارگران باشد و رسماً اعلام شده باشد. تامین این نیاز کمک میکند که اتصالی میان خود کارگران این مراکز و بعلاوه میان کارگران اعتصابی و جامعه ایجاد شود، کمک میکند که شایعات مختلف در مورد سرنوشت اعتصاب و... بی اثر بماند و کمک میکند که امکان سواستفاده و موج سواری به نام کارگر نفت و مخدوش کردن حقایق و برنامه های کارگران و تشنه های که ممکن است ایجاد شود را ناکام بگذارد. بعلاوه کمک میکند که حامیان کارگران اعتصابی در بخشهای مختلف و مراکز کارگری در ایران و در همه دنیا با اتکا به اطلاعات مستقیم و موثق کارگران اعتصابی، بتوانند نقش جدی خود در جلب حمایت از اعتصاب را ایفا کنند.

حمایت از اعتصاب

کارگران نفت و گاز و پتروشیمی ها، کارگران هفت تپه و... تنها نیستند. خواست و مطالبات آنها، از افزایش دستمزد تا کوتاه کردن دست شرکتهای پیمان و لغو قرار دادهای کوتاه مدت و سفید امضا، از کاهش ساعات کار تا تامین امکانات بهداشتی و رفاهی، از مقابله با اخراج و بازگشت به کار کارگران اخراجی تا قبول مسئولیت دولت در مقابل سرنوشت کارگران و جوابگو بودن آن، از تامین آب و برق تا واکنس فوری و رایگان و... همگی مطالبات دهها میلیون کارگر در همه بخشهای صنعتی، خدماتی، تولیدی و مطالبات اقشار محروم و کم درآمد جامعه است. این مطالبات کل طبقه کارگر ایران را چون زنجیری به هم تنیده و با هم وصل کرده است. بعلاوه بخش وسیعی از مردم ایران از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب خواهان تامین این مطالبات و خواهان بهبودی در زندگی خود هستند. موفقیت کارگران اعتصابی در نفت و گاز و پتروشیمی ها، در هفت تپه و هر مرکز کارگری دیگر، یک پیروزی برای این صف است.

تامین پیروزی در این اعتصابات اگر از طرفی به اتحاد کارگران اعتصابی و تامین ملزومات آن نیاز دارد، از طرف دیگر به حمایت های عملی بخشهای دیگر طبقه کارگر و اقشار محروم مردم ایران، به پیوستن بخشهای وسیعتری از مردم به این جدال برای رفاه و خلاصی از فقر و مسببین آن بستگی دارد. سرنوشت کل این صف به سرنوشت طبقه کارگر گره خورده است و هر درجه پیروزی طبقه کارگر در این جدال، مستقیماً بر سرنوشت کل این صف اثر گذار است.

اکنون میدان وسیعی برای حمایت از این اعتصابات باز است. تجمع کارگران و خانواده ها همراه مردم زحمتکش در محلات و در حمایت از اعتصاب، حمایت عملی کارگران مراکز دیگر از اعتصابات و طرح مطالبات مشترک، حمایت بقیه نیروی کارکن جامعه از معلم و پرستار تا کارگران بیکار، بازنشسته و... به اشکال و ابتکارات مختلف، نه تنها موثر بعلاوه نیاز یک مبارزه مشترک با یک دشمن مشترک است که امروز بیش از هر دوره ای حیاتی شده است. به این اعتبار امروز پرچم دفاع از رفاه و بهبود، دفاع از تامین ابتدایی ترین حقوق انسانی مردم محروم در دست طبقه کارگر است. اعتصابات کارگران نفت، کارگران هفت تپه و... قدمی جدی در این راه است. باید کمک کرد که این اعتصابات به پیروزی برسند و هر قدم و هر میزان پیروزی سکویی است برای پیشروی های بیشتر و اساسی تر. کارگران اعتصابی تنها نیستند، مردم آزادیخواه ایران حامی آنها و به آنها چشم دوخته اند.

مشور سرنگونی جمهوری اسلامی را به پرچم خود تبدیل کنید

معرفی «برنامه یک دنیای بهتر»

ثریا شهابی



مقدمه: مطلبی که میخوانید متن سخنرانی من در سمینار هفته حکمت (۲۰۲۱) حزب حکمتیست - خط رسمی، تحت عنوان «معرفی برنامه یک دنیای بهتر» است که توسط رفیق آزاد کریمی پیاده و ادیت اولیه نگارشی، و توسط من تدقیق و ادیت نهایی، شده است.

موضوع صحبت من «معرفی یک دنیای بهتر» است، و من قبل از شروع بحث دوست دارم بگویم که چرا این تیتراژ را انتخاب کردم و مخاطب این بحث چه کسانی هستند و نهایتاً اینکه محتوا و موضوع بحث چه است. از محتوا و موضوع بحث اگر بخوایم شروع کنیم، طبعاً امکان اینکه تمام این برنامه و مباحثی که پشت آن است و بحث هایی که سر آن بوده، تاریخی که پشت آن هست و ریشه رسیدن به این سند، را نمی توان در این فرصت کوتاه به آن اشاره کرد. تمام مطالبات این سند و استراکچر (ساختار) آن که از چه قرار است و چرا به این شکل نوشته شده است، را نمی توان در این فرصت کوتاه، بازگو کرد. اگر هم در این بحث به مطالباتی اشاره می کنم، بیشتر در اختیار این است که بگویم اهمیت این سند چه است و ارزش آن کجاست. به هر حال! اسم برنامه «یک دنیای بهتر» را خیلی ها شنیده اند. حتی از میان چپ خودبزرگ بینی که منصور حکمت را انکار می کنند و اینجا و آنجا فرمول بندیها و نقدهایی که به «برنامه یک دنیای بهتر» دارند را مدام تکرار می کنند، عملاً بعنوان داده های موجود، از همه تئوری هایی که پشت این سند است صحبت می کنند. از آنها که بگذریم! فرض من این است که همه این سند را خوانده اند و اگر هم کسی نخوانده من توصیه می کنم که حتماً این سند را بخواند و بخصوص به مباحثاتی که مربوط به این برنامه است و در یک مصاحبه شش قسمتی رادیو اینترنتیونال با خود منصور حکمت انجام گرفته است*، گوش کنند. تا تصویر همه جانبه ای داشته باشند از این برنامه، که به نظر من خیلی فراتر از فقط یک سند است. از سندی است که یک سری مطالباتی را مطرح کرده است، یا اینکه فقط اعلام هویتی کرده و یک سری بنیاد های فکری پشت این اعلام هویت را بطور اجمال گفته است، خیلی فراتر است. مخاطب این بحث از نظر من دو تیپ، یکی کارگران پیشرو و دست اندکاران جنبش کارگری و دیگری طیفی از کمونیست ها هستند. من سعی می کنم که از یک زاویه دیگر، این سند را مورد بررسی قرار دهم. بیشتر از این که به این یا آن مطالبه بپردازیم، یا اینکه مثلاً مسأله ملی، تبعیض علیه زنان، قانون کار و همه مطالبات دیگری که در این سند هست را مورد بحث قرار دهم، از یک زاویه دیگر، نور افکنی به خود این سند بیندازم. بخصوص برای جوانان کمونیستی که هم نسل ما نیستند! نسل «دوران قبل از جنگ» و «عکس های سیاه و سفید» نیستند! کسانی که در دوره ای متولد شده اند که شاید منصور حکمت دیگر زنده نبوده! آنها و طیفی از دست اندکاران مبارزات کارگری، مخاطب هستند، که این سند مربوط به آنهاست و لازم است در دسترس شان باشد. به نظر من به اهمیت این سند، آنطور که باید و آنطور که لازم است، به نقش و جایگاهی که دارد، پرداخته نشده است و به اندازه کافی معرفی نشده است. خود حکمت هم در مورد دستاوردهایی که داشته است «شکسته نفسی هایی» می کند. در جایی اشاره می کند به اینکه ما اسم کمونیسم کارگری را انتخاب کردیم چرا که اسم کمونیسم به تنهایی، با سوسیالیسم اردوگاهی تداعی شده بود. همانطور که مارکس و انگلس اسم کمونیسم را انتخاب می کنند چون سوسیالیسم پرچم انواع و اقسام سوسیالیست های غیر پرولتری شده بود. و در جای دیگری می گوید دستاوردهایی که ما بعنوان جنبش کمونیستی ایران داشته ایم از دستاوردهایی که شروع خودآگاهی کمونیستی بود و با مارکس و انگلس شروع شد و بعدتر هم لنین آن را ادامه داد، اگر بیشتر نباشد کمتر نیست. به هر حال من این سند را بعنوان فشرده دستاوردهای حکمت می خواهم معرفی کنم. بلکه بعنوان یک سند، که فراتر از اعلام موضع، فراتر از اعلام هویت و بعنوان نقشه عمل یک جنبش معین که می خواهد قدرت را در دست بگیرد، نگاه میکنم. جنبش معینی که نمیخواهد فقط اهرم فشار باشد و یا فقط اعلام موضع کرده باشد، بلکه می خواهد به آن عمل بکند. از این زاویه اگر به این سند نگاه کنید، این سند را باید در کنار سندی مثل

مانیفست گذاشت. همانطور که اتحادیه کمونیست ها زمانی که کمونیسم به بحث محافل طبقه کارگر تبدیل شده بود و کاپیتال کتاب محافل کارگری بود، به مارکس و انگلس مسئولیت می دهند که این سند را بنویسند و مانیفست حزب کمونیست را بعنوان برنامه عمل پرولتاریای جهانی معرفی کنند. اگر مانیفست تنها با اتکا به قیام ایتالیا و قیام آلمان بدون اینکه تجربه کمون پاریس را از سر گذرانده باشد نوشته شد، برنامه یک دنیای بهتر با اتکا به تجربه انقلاب ۵۷ و شکست خونین آن انقلاب و با اتکا به تمام تجارب جنبشی گذشته خود از شکست کمون پاریس گرفته تا تجربه شکست انقلاب اکتبر، در دوره ای نوشته شد که کمونیسم نه تنها پرچم سوسیالیست های تخیلی، که پرچم هر جنبش ارتجاعی، قومی و ملی شده بود و از دل چنین شرایطی با جهانی شدن سرمایه و نقش سرمایه های مالی در دنیای پس از فرو ریختن شوروی و جنگ سرد، با سرمایه داری به شدت متفاوتی روبرو شده بود. بی تردید اگر یک دنیای بهتر را کنار مانیفست بگذاریم، می بینیم که جدال خیلی عظیم تری از مانیفست را پشت سر گذاشته است. فشار عقاید، فشار جنبش ها و تخریبی که بر سر کمونیسم آمده بود، همه این ها را عقب زد و این کمونیسم را از دل خروارها آوری که بر سر آن خراب شده بود بیرون کشید و بعنوان یک سند، «مانیفست دوره معاصر» را در برنامه دنیای بهتر عرضه کرده است. همانطور که اشاره کردم این سند اعلام هویت نیست، سند اعلام مواضع نیست، سند اعلام مطالبات نیست. ولی در عین حال همه اینها را هم شامل می شود. شما اگر مقدمه آن را بخوانید و به ساختار آن نگاه کنید، متوجه می شوید که بعنوان یک سند از بنیادهای فکری و دنیایی که انسان قرن بیست و بیست و یکم می خواهد، و اینکه چه مطالباتی دارد می گوید. قطعاً همانطور که مارکس و انگلس هم در مقدمه مانیفست توضیح داده اند، این مطالبات بنا به شرایط می تواند تغییر بکند. کما اینکه بعد از اینکه کمون پاریس اتفاق افتاد مسئله «دولت کارگری» مطرح شد و ما در مانیفست چیزی در مورد دیکتاتوری پرولتاریا نمی بینیم. اگر مارکس در مانیفست می گوید که «شبحی بر فراز اروپا در گشت و گذار است» و این شبح را در مانیفست به واقعیتی تبدیل می کند که می خواهد به جدال طبقه سرمایه دار برود، حکمت در برنامه یک دنیای بهتر می گوید که «آمال و آرزوی انسانها یک دنیای بهتر است؛ و با تمام اعتقادات مذهبی تحمیلی، با تمام انقیاد اقتصادی و ایدئولوژیکی که بر او تحمیل شده است، قبول می کند و خواهان یک دنیای بهتر است!» حکمت کاملاً رنگ و بوی امروز را نسبت به همان انسان تصویر می کند. در نتیجه «یک دنیای بهتر» سند هویتی نیست، سند مبارزه با چپ حاشیه ای نیست، سند عقب زدن افکار و عقاید چپ غیر پرولتری نیست. با وجود اینکه هر جایی که چپ غیر پرولتری بخواهد تعرضی بکند، به اندازه کافی دستاورد دارد که بتواند عقبش بزند. ولی سند و نقشه عمل یک جنبش معین است که دقیقاً می داند چه می خواهد. سند و نقشه عمل یک گرایش معین در جنبش کارگری و بخش پیشرو طبقه کارگر است که می خواهد بر گرایشات دیگر پیروز شود. به این معنی که بتواند از رفرمیسم و سایر گرایشات دیگر در درون طبقه کارگر جلو بزند و در عین حال در جدال طبقاتی بتواند پیشروی خودش را تثبیت بکند. «برنامه دنیای بهتر» سند یک نقشه عمل است! سند قدرت در دست گرفتن است! و خود منصور حکمت هم در مصاحبه اش با رادیو اینترنتیونال به آن اشاره می کند که من سعی می کنم بعداً به بخش هایی از آن مصاحبه رجوع کنم. در عین حال فکر می کنم که گاهی از این سند بعنوان یک سند ابزار هویت و یک سند حقانیت ایدئولوژیکی و حقانیت سیاسی در جدال با شاخه های چپ غیر کارگری استفاده می شود. مثل همان نقشی که مارکسیسم انقلابی داشت. حکمت به درستی در این مورد می گوید که دنیای بهتر ادامه برنامه «اتحاد مبارزان کمونیست» نیست، ادامه برنامه «حزب کمونیست ایران» نیست، بلکه برنامه یک گرایش معین در طبقه کارگر است. در صورتی که برنامه «اتحاد مبارزان کمونیست» جدال مارکسیسم انقلابی، یک جدال فکری با کل چپ در آن دوره بود! یک خودآگاهی و یک اعلام هویت بود! بیرون کشیدن تئوری ها، افکار، فلسفه و اقتصاد مارکسیستی از زیر دست و بال یک چپ جهانی و یک چپ ملی که پرچم هر چیزی بود به غیر از مبارزه طبقه کارگر؛ و همین ابزار هویت و ابزار وجود بود که توانست تأثیر خیلی تعیین کننده ای در قدم های بعدی اش داشته باشد. ولی «برنامه یک دنیای بهتر» فرق می کند. پرچم کمونیسم بعد از فروپاشی شوروی است. پرچم کمونیسمی است که فدرالیسم را نقد کرده، «دمکراسی از تعابیر تا واقعیت» را نقد کرده و به آن جنبش چپ علی العموم پشت کرده است. نقد نظری به آن ندارد و خودش را بخشی از آن جنبش چپ نمی داند بلکه خود را بخشی از تپش طبقه کارگر می داند. و این را شما در بند بند «برنامه یک دنیای بهتر» چه در مطالباتش و چه در شکل ساختار حکومتی آن می بینید.... ادامه در صفحه بعد

سیاست برای زندگی انسانی است. سیاست کمونیستی می تواند به تمام جوانب زندگی انسانی کاری نداشته باشد و "برنامه یک دنیای بهتر" نقشه عمل پیشروی یک جنبش و نقشه عمل اعمال قدرت یک طبقه است. اگر اجازه بدهید می خواهم بخشی از مصاحبه ای که در همین رابطه با منصور حکمت انجام گرفته را بازخوانی کنم. می گوید:

«کمونیسم کارگری را جای کمونیسم باید گذاشت. مثل مانیفست. دلیل انتخاب این نام همانطور که مانیفست اسم سوسیالیسم را انتخاب نمی کند بخاطر اینکه همه رگه های دیگر کمونیسم های غیر کارگری به خود سوسیالیسم می گویند، ما هم نام کمونیسم پس از شکست تجربه شوروی را به تهنای انتخاب نمی کنیم. اضافه شدن کلمه کارگر به آن به خاطر اعلام این تمایز است که این خود کمونیسم است که کارگری است. نه خلقی، نه ملی و نه مذهبی. کمونیسم یک جنبش پراتیکی مادی، سیاسی، زمینی معاصر است و کاملا بحثش قدرت سیاسی است. بحث دولت است. و نه نجات به معنی قدیمی کلمه، یک جدایی از تفکر مذهبی است که آدم ها را بدنبال منجیان و ناجیان می کشاند. اختیار آدم ها را بدست خودشان می دهد، قدرت می دهد تا آنها در سرنوشت خودشان دخالت کنند. در نتیجه مقولاتی مثل آگاهی، وحدت، تشکل، مبارزه، قیام، اعتصاب، اینها تعیین کننده می شوند. در این اندیشه در مقایسه با اعتماد، توکل، دعا، امید، باور، که در دیدگاه های خرافی مذهبی برجسته می شوند، در این یکی تلاش، تشکل، اتحاد، مبارزه، آگاهی و غیره تعیین کننده است.»

به نظر من این چکیده ای از جوانب مختلفی است که در "برنامه یک دنیای بهتر" گنجانده شده است و "برنامه یک دنیای بهتر" را از تمام اسناد اعلام هویتی و اعلام موضعی و اعلام تعلق و اهرم فشاری جدا می کند. برنامه یک دنیای بهتر سند قدرت گرفتن، سند به زیر کشیدن، سند قیام، سند اعتصاب، مقاومت، پیشروی و سند تغییر است و باید با این عنوان به آن نگاه کرد. من فکر می کنم که به اندازه ای که شاید به مباحث پایه ای تر، ایدئولوژیک، فلسفی و سیاسی این سند عطف توجه شده، که البته باید به آن عطف توجه شود و درک شود، ولی از این زاویه کمتر به "برنامه یک دنیای بهتر" توجه شده است و من سعی کردم که اینجا و در این برنامه توجه شما را به این نکته جلب کنم و اینکه این سند را بخوانید و بخصوص مصاحبه های حکمت* و توضیحاتی که خود حکمت در این رابطه می گوید را گوش کنید و از این زاویه هم نگاهی دوباره به این سند بیندازید.

* اشاره به برنامه رادیویی و متن پیاده شده "مصاحبه با رادیو انترناسیونال" سال ۲۰۰۰ است که فایل های صوتی و نگارشی آنها را میتوان از سایت آرشیو حکمت، (www.hekmat.public.net) دریافت کرد!

از همان اول تصویری از آینده ای که کمونیست ها می خواهند به دست می دهد. که در آن بردگی مزدی نیست، استثمار نیست و تصویری از حکومت شورایی که ما خواهان آن هستیم و اینکه به چه شکل است و ساختار آن چگونه است بدست می دهد و در رابطه با همه اینها توضیح می دهد. بخش دوم مطالباتی است که به دقت و با جزئیات از قانون کار گرفته تا حقوق زنان، تا مسئله ملی، تا حرمت آدمیزاد، تا حقوق متهمین و مسئله اعتیاد، همه اینها را در بر می گیرد که به مراتب پیشرفته تر از تمام کنوانسیون های جهانی حقوق بشری است که وجود دارند. و شما وقتی این کنوانسیون ها را می خوانید که پیشرفته ترین آنها اسنادی است که بعد از دو جنگ جهانی به بورژوازی تحمیل شد، هزار و یک "اما و اگر" با خود دارد. عقیده و بیان ممنوع نیست مگر اینکه فلان شود، مگر اینکه ملیت، مگر اینکه مذهب، مگر اینکه ایدئولوژی، مگر اینکه خانواده. و هیچکدامشان به این شکل آزادی های بی قید و شرط فردی، آزادی های بی قید و شرط اجتماعی، رفاه، امنیت، آسایش و حقوق انسانی را با این جزئیات مطرح نمی کنند و اینها لیستی از مطالباتی نیستند که فقط برای ابراز نظر و ابراز موضع گفته باشیم، بلکه بخشی از مطالبات یک جنبش مبارزاتی است. من از این نقب می زرم به واقعیتی که امروز ما در جامعه ایران می بینیم. در بخش دوم "برنامه یک دنیای بهتر" و در قسمت مربوط به حاکمیت شورایی، سیستم پارلمانی را بر این مبنا که دخالت انسانها در آن ظاهری است نقد می کند و در عوض تشکیل دولت شوراهای را مطرح می کند که دخالت مستقیم آحاد مردم در شوراهای را تضمین می کند و اینکه تصمیم می گیرند و نهایتا مجری آن هستند. و امروز شما می بینید که در جنبش کارگری وقتی که این گرایش صحبت می کند، بدون اینکه وارد تئوری بشود به ابزار قدرتمند کردن خودش دست می برد و می گوید من اداره شورایی می خواهم و وقتی که به مصاف می طلبد، به کارفرما، به دولت و به همه چیز کار دارد. "برنامه یک دنیای بهتر" می گوید که کارگر به اینکه در امور کارخانه اش چه می گذرد باید اشراف داشته باشد و دخالت کند و این در قانون کارش نوشته است و امروز شما می بینید که گرایشات دیگر به طبقه کارگر انتقاد می کنند که کارگر به فساد دولتی چکار دارد، یا کارگر به اینکه کارخانه چطور اداره می شود چکار دارد و یا اینکه بر سر زمین های کارخانه چه آمده است. در قانون کار برنامه یک دنیای بهتر نوشته شده که کارگر به همه اینها کار دارد و باید دخالت کند. و شما می بینید که این سند برنامه عمل و اقدام یک جنبش معین است و آن جنبش سیاسی طبقه کارگر با گرایش کمونیستی آن است؛ که می تواند رفرمیسم را عقب بزند و از آنها جلو بزند، می تواند لیبرالها و کسانی که تفرقه قومی و مذهبی و انشقاق به صفوف طبقه کارگر می اندازند را با مطالباتش و با نقشه عملش، کنار بزند. در همین رابطه منصور حکمت در مصاحبه اش می گوید که اینها قوانین کار در حکومت شورایی هستند و به محض تصرف قدرت سیاسی بلافاصله باید به اجرا در آیند. در ادامه می گوید شما وقتی به قدرت برسید به این معنی نیست که طبقات یک دفعه از بین می روند. تا وقتی فقر و فلاکت و احتیاج و کمبود هست، همیشه امکان استثمار وجود دارد و وقتی که شما تمام نیازهای بشر را برطرف نکنید و شرایطی که انسانی بتواند انسان دیگری را استثمار کند از بین نبرده باشید، هنوز جامعه طبقاتی است! و در نتیجه مصائب حاکم بر بشر را اگر با آن مبارزه نکنید، در حکومت کارگری هم خواهید دید. از این رو اجرای کامل مطالبات "برنامه یک دنیای بهتر" در یک حکومت کارگری، دامه جدال طبقاتی است برای ریشه کن کردن نابرابری و پایان امکان استثمار انسان از انسان! بعلاوه مطالبات "برنامه یک دنیای بهتر" همگی پرچم مبارزه امروزان هم هست. "برنامه یک دنیای بهتر" سند و برنامه انقلاب کارگری است! ولی در عین حال رادیکال ترین اصلاحات را در هر لحظه بعنوان نقشه عمل پیشروی این جنبش پیش پا گذاشته است. رفرمیست نیست ولی شما هیچ رفرمیست و جنبش مطالبه گری نمی توانید پیدا کنید که مطالبات ماکسیمال تر و بی قید و شرط تری در هر زمینه ای از محیط زیست گرفته تا جنسیت و تا مذهب، بیش از آنچه در این سند است، را مطرح کرده باشد. و همه اینها را شما امروز بعنوان داده های طبقه کارگر که خودش راه استفاده کردن از آن و پیشروی کردن در راستای آن خودآگاهی را پیدا کرده است، می بینید! و این نشان می دهد که این گرایش چقدر بازتاب پیشروی کمونیسم در جامعه ایران است. در این سند بحث انقلاب و اصلاحات را مطرح می کند. بدون اینکه انقلاب را به اصلاحات موقوف بکند و یا برعکس، اصلاحات را به انقلاب! بدون اینکه مرحله بندی بکند که گویا اول باید ولی فقیه را بیندازیم بعد استثمار را از بین ببریم. یا اینکه اول استثمار را از بین ببریم بعد ولی فقیه را، اول اسلام را بیندازیم بعد مطالبات بهداشتی را مطرح کنیم. چیزی که همواره از طرف جریان های رفرمیست شاهد بوده ایم. به مطالبات بازگردیم! همه اینها و در هر لحظه مطالبه انسان است و سیاست مربوط به انسان است.

**دنیا بدون فراخوان
سوسیالیسم،
بدون امید سوسیالیسم
و بدون
خطر
سوسیالیسم
به
چه منجاری
بدل میشود...**

« طرح صیانت » یا کشیدن ضامن نارنجک!

روز چهارشنبه ۶ مردادماه ۱۴۰۰ طرح «صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی» از سوی نمایندگان مجلس به کمیسیون ویژه ارجاع داده شد. طبق این طرح قرار است که سرویس‌های خدمات دهنده اینترنتی مانند گوگل، اینستاگرام و واتس‌آپ و ... فیلتر شده و یک مونیتورینگ و محدودیت حساب شده روی سطح ارتباطات مردم با هم، چه در داخل و چه در خارج از ایران را اعمال کند.

طرحی که مهره‌ها و شخصیت‌های رژیم تأثیرات «ویرانگر» آنرا بر حیات جمهوری اسلامی هشدار می‌دهند. هشدارهایی چون «اینترنت را قطع کنید تا راهی جز ریختن در خیابان برای مردم باقی نماند» یا «ضامن نارنجک را نکشید» از طرف یکی از نمایندگان مجلس و فرمانده قرارگاه سایبری سپاه، بیان هراس ماشین سرکوب، از مجلس تا سپاه است.

واقعیت اینست که کفه سیاسی ترازو در ایران، از دیماه ۹۶ به این سو، روز به روز با بیداری مردم و با تکان خوردن غول طبقه کارگر در صحن جامعه کاملاً تغییر کرده است. بویژه بعد از گذشت بیش از یکماه از اعتصابات وسیع کارگری در بخش‌های کلیدی مانند صنعت نفت و هفت‌تپه و به دنبال خیزش اخیر مردم خوزستان و موج همبستگی سراسری مردم ایران با این خیزش، بحران دامن‌گیر حاکمیت، عمیق‌تر و برون‌تر و شکاف و چندقدرتگی در بالا شدیدتر شده است. باید منتظر سرباز کردن تشنت و اختلافات بیشتری در بالای حاکمیت بود. این داستان بن‌بستی است که این نظام از اقتصاد تا سیاست و ایدئولوژی و فرهنگ و اداره امور جامعه به آن دچار شده است. این نظام با هر دو جناح آن و با تمام متعلقات آن، نه فقط از نقطه نظر مردم ایران فاقد یک روز ماندن در مسند حاکمیت است، بلکه در امر حاکمیت کردن و تقابل با جنبش آزادیخواهانه مردم در ایران هم ناتوان و مستاصل است.

جامعه به تنگ آمده ایران، طبقه کارگر آگاه و متوقع آن، کمونیست‌ها و سوسیالیست‌هایی که سطح مبارزات امروز در جامعه را به هم بافته‌اند و صف گسترده اعتراضات مردم را آبدیده و متشکل می‌کنند، حاکمیت را در این شرایط بحرانی مجبور به آزمایش کودتای اینترنتی علیه مردم کرده است. رهبران سوسیالیستی که آلترناتیو «اداره شورایی جامعه» را به اهتزاز درآورده‌اند و حلقه محاصره را روز به روز بر جمهوری اسلامی تنگ‌تر کرده‌اند، بن‌بست لاعلاج این نظام را هم تشدید کرده‌اند. پارادوکسی که امروز جمهوری اسلامی در آن گیر کرده است اینست که: باز گذاشتن اینترنت و شیخ «سرنگونی» در منازل سران نظام همان، و بستن اینترنت و راه ارتباط و «کشیدن ضامن نارنجک» و باز کردن راه خیزش‌های مردمی و زمین لرزه‌های بعدی همان!

مردم آزادیخواه!

سیاست نظام برای قطع ارتباط با هم را باید به شکست کشاند. با متشکل شدن و متحد شدن در شوراهای مردمی در محلات زیست و کار می‌توان ادامه مبارزه و حفظ ارتباطات سراسری در مبارزه را نه فقط تضمین کرد، بلکه آنرا به سطح به مراتب عالی‌تر و سازمان‌یافته‌تری از نبرد علیه جمهوری اسلامی کشاند؛ محلات زیست و کار را باید به محلات تصمیم‌گیری زنده و حی‌وحاضر مردم در مورد چند و چون اداره امور زندگی در شهرها تبدیل کرد. هیچ نیرویی قادر به محدود کردن و از میان بیدر کردن ارگان‌های اعمال قدرت مستقیم مردم نیست؛ هیچ قدرتی نمی‌تواند مکانیسم زنده و پویای ارتباطات توسط مجامع عمومی و شوراهای مردمی را مسدود کند.

«طرح صیانت» نشانه و شاخص دوران جدیدی در تلاش برای متحد کردن و سراسری کردن جنبش آزادیخواهانه مردم است. رهبران و دست‌اندرکاران مبارزات اجتماعی مردم باید هرچه زودتر دست بکار ساختن ابزارها و مکانیسم‌هایی در محل شوند که در صورت هر تعرضی از طرف حاکمیت، تضمین می‌کنند که کوره مبارزات مردم در پایین داغ و متشکل می‌ماند.

حزب حکمتیست (خط رسمی) شما را به تشکیل و برپایی شوراهای مردمی جهت مقابله امروز با جمهوری اسلامی با هدف تضمین پیروزی جنبش‌مان برای «آزادی، رفاه و اداره شورایی» فرا می‌خواند!

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۳ اوت ۲۰۲۱

گزارشی از یک پیکت اعتراضی در لندن

روز شنبه ۳۱ ژوئیه برابر با نهم مرداد ۱۴۰۰، تجمعی در حمایت از اعتصابات کارگران نفت، هفت تپه و ...، همچنین اعتراضات خوزستان و شهرهای دیگر ایران با فراخوان چند سازمان چپ، کمونیستی و کارگری ایرانی از جمله تشکیلات لندن حزب حکمتیست - خط رسمی در میدان مرکزی شهر لندن (ترافالگار) برگزار گردید.

تجمع با نمایش تصاویری از مبارزات طبقه کارگر و اعتراضات شهری، پورتره‌هایی از جانب‌افزایندگان اعتراضات، همچنین عکس‌هایی از جنایات جمهوری اسلامی در ایران و شعارهای انگلیسی روی بنرها شروع شد. این تصاویر توجه رهگذران زیادی را به خود جلب کرد و عکس و فیلم‌های زیادی از آن برداشت شد.

ادامه تجمع به زبان انگلیسی و شعارهای همیشگی؛ سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حاکمیت شورایی، لغو زندان، شکنجه و اعدام اکتیویست‌ها در ایران، پایان ستم بر زنان و برابری زن و مرد، برقراری جامعه‌ای آزاد، برابر و امن، همچنین درخواست همبستگی بین المللی از اعتراضات در ایران ادامه یافت.

رفیق سونیا محمدی از طرف کمیته لندن حزب و همچنین رفیق ثریا محمدی، طی دو سخنرانی رو به مردم و رهگذران اعلام کردند «در حالیکه حق اعتصاب و اعتراض کارگران در ایران ممنوع است اما همین الان که ما اینجا هستیم بیش از صد هزار کارگر در ایران بیش از یکماهه در اعتصاب و اعتراض هستند، اعتراضات شهری روزانه در جریان است و جواب جمهوری اسلامی از ترس سرنگونی اش، تهدید، گلوله و به قتل رساندن معترضین و زندان و شکنجه آنها است. از پایمال شدن حق زنان، کودکان، معلمان، دانشجویان، پرستاران و گلا طبقه کارگر حرف زدند و خواهان همبستگی بین‌المللی و حمایت سازمان‌ها و مردم آزادیخواه لندن و بریتانیا از این اعتراضات جاری در ایران شدند. سخنرانی‌های دیگری همچنین از طرف نمایندگان سازمان‌های چپ و سوسیالیستی که در تجمع حضور داشتند، با همان موضوع اوضاع ایران و اعتراضات گسترده رو به مردم و رهگذران ایراد شد.

رفقا محسن کریم و دشتی جمال از رهبری حزب کمونیست کارگری کردستان عراق، همچنین رادیو گردی «پیشاهنگ» در همبستگی و اعلام حمایت از اعتصابات طبقه کارگر ایران و اعتراضات شهری، در این آکسیون شرکت داشتند. رادیو تصویری پیشاهنگ مصاحبه‌ای را به زبان گردی با رفیق بختیار پیرخضری از طرف تشکیلات لندن حزب انجام داد. رفیق بختیار رو به بینندگان و شنوندگان این رادیو دلیل این تجمع، بحران معیشتی طبقه کارگر در ایران بدلیل حاکمیت ننگین حاکمیت اسلامی و سرمایه، همزمان اعتراضات و حضور چشمگیر طبقه کارگر در راس این اعتراضات، اوضاع متشنج و ضعیف شدن جمهوری اسلامی با فشار اعتصابات و اعتراضات گسترده طبقه کارگر و مردم آزادیخواه و همچنین همبستگی طبقاتی بین المللی را بیان کرد.

طی دو ساعتی که شرکت‌کنندگان در آکسیون با حضور فعال شان شرکت داشتند، با سر دادن شعارهای رادیکال و سوسیالیستی، سخنرانی‌ها، ترانه و سرودهای انقلابی و شعارهای نوشتاری برای جلب توجه مردم و رهگذران، همبستگی خودشان را با اعتصابات گسترده نفت، هفت تپه و اعتراضات شهرهای خوزستان و تهران و بخشهای دیگر جامعه که باعث بحران جدی در جمهوری اسلامی شده را ابراز کردند.

تشکیلات لندن حزب حکمتیست (خط رسمی) در راستای حمایت و تلاشهای متمرکز و پیگیرانه خود بعنوان یک بخش اصلی فعالیت‌های میدانی در لندن، برای رساندن صدای اعتصابات کارگری، اعتراضات شهری که بویژه از دی ماه ۹۶ در جریان است، بحران معیشتی و محیط زیست، عدم آب آشامیدنی سالم در خوزستان، بلوچستان، کردستان و بخش‌های دیگری از مرکز و مناطق دیگر ایران و رساندن صدای اعتراضات به این بحران‌ها به گوش فعالین کارگری و چپ و مردم آزادیخواه بریتانیا و کشورهای دیگر و همچنین فشار به دفاتر جمهوری اسلامی در لندن برای آزادی سدها معترض در خوزستان، تهران، سایر شهرها و زندانیان سیاسی در ایران، به فعالیت‌های خودش در اشکال مختلف ادامه می‌دهد.

همچنین در تماس و ارتباط مستمر با سازمان‌های کارگری در بریتانیا و بسیاری از کشورهای دیگر پیگیر گرفتن حمایت‌های طبقاتی برای کارگران و سایر مبارزات طبقاتی و آزادیخواهانه در ایران هستیم.

ما ضمن قدردانی از همه شرکت‌کنندگان که در این شرایط سخت کرونا در تجمع امروز شرکت داشتند، مدافعین طبقه کارگر و سازمان‌ها و مردم آزادیخواه را به همراهی بیشتر برای حمایت از اعتصابات گسترده کارگری و تظاهرات‌های شهری فرا می‌خوانیم.

تشکیلات لندن حزب حکمتیست - خط رسمی

۲۴ ژوئیه ۲۰۲۱ برابر با دوم مرداد ۱۴۰۰

hekmatist.com



تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti@gmail.com

حکمتیست هفتک

سر دبیر: فواد عبداللهی

مردم آزادیخواه!

طغیان میلیونی و متحدانه شما علیه بی‌آبی و بی‌برقی، گرانی و بیکاری، فقر و فساد و بی‌مسئولیتی انگل‌های در حاکمیت، اعتراض به دهها و دهها درد درمان نشده جامعه هشتاد میلیونی به فقر و فلاکت کشیده شده ایران، باید به پیروزی برسد!

برای پیشروی و پیروزی باید فوری در ارگانهای اعمال اراده خود، متحد شوید!

در محل کار و محل زندگی، در شوراهای کارگری و مردمی، یا هر نهاد و ارگان و سازمان و شکلی که دخالت متحدانه و مستقیم شما از بطن جامعه را تضمین کند، متحد شوید!

باید اداره امور را در محله، شهر و در همه مشاغل جامعه، بدست گرفت!

باید حاکمان مرتجع و نالایق، این حامیان نظام فقر، سود و استثمار را که نه توان و نه خواست برآورده کردن ابتدایی ترین خواسته‌های شما را ندارد، مرخص کرد و کنترل زندگی خود را بدست گرفت.

حاکمیتی در کار نیست! باید مردم متشکل در شوراها حاکمیت کنند. برای دستیابی به «آزادی، رفاه، حکومت شورایی»، همین امروز، و فوراً دست به کار شوید!

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!